

بررسی رابطه اعتماد به نفس بیش از حد مدیران با هزینه غیرعادی حسابرسی با توجه به نقش تعدیلگر مالکیت نهادی

بنفشه موقر^۱*

داود گرجی زاده^۲

محمد حامد خان محمدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ تاریخ چاپ: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

چکیده

تحقیقات جدید بر پیامدهای اقتصادی اعتماد بیش از حد مدیریتی متمرکز است و دیدگاه‌های مختلفی را در مورد نقش مثبت و منفی آنها ارائه می‌دهد. با این حال، مطالعات کمی در مورد تأثیر بیش اعتمادی مدیریت بر قیمت‌گذاری حسابرسی، به‌ویژه حق‌الزحمه حسابرسی غیرعادی، وجود دارد. هدف این پژوهش بررسی رابطه اعتماد به نفس بیش از حد مدیران با هزینه غیرعادی حسابرسی با توجه به نقش تعدیلگر مالکیت نهادی. اطلاعات موردنیاز این پژوهش برگرفته از صورت‌های مالی ۱۴۶ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۹-۱۳۹۲ می‌باشد. پژوهش حاضر، از نظر هدف کاربردی؛ و از نظر ماهیت و محتوا از نوع همبستگی است. برای آزمون وجود رابطه بین متغیرها و معنادار بودن مدل برآورده شده از روش رگرسیون چندگانه مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی (پانل دیتا) استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که بین بیش اعتمادی مدیران و هزینه غیرعادی حسابرسی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد؛ رابطه مالکیت نهادی با هزینه غیرعادی حسابرسی منفی و معنی‌دار است؛ و مالکیت نهادی بر رابطه بین بیش اعتمادی مدیران و هزینه غیرعادی حسابرسی تأثیر منفی و معنی‌دار دارد.

واژگان کلیدی

بیش اعتمادی مدیران، هزینه غیرعادی حسابرسی، مالکیت نهادی

^۱ کارشناس ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی ناصر خسرو، ساوه، ایران. (نویسنده مسئول: mail.office2011@googlemail.com)

^۲ مدرس گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی ناصر خسرو، ساوه، ایران. (d.gorjizadeh@hnhk.ac.ir)

^۳ مدرس گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی ناصر خسرو، ساوه، ایران. (m.khanmohammadi@hnhk.ac.ir)

۱. مقدمه

بورل^۱ اولین بار در سال ۱۹۵۱ با تأکید بر امور مالی رفتاری پیشنهاد داد که باید روانشناسی را در زمینه تحقیقات مالی شرکت‌ها مورد توجه قرار داد چراکه اقتصاد سنتی نمی‌تواند تمامی رفتارهای مدیران را توضیح دهد. در این رابطه هامبریک و میسون (۱۹۸۴)^۲ با ارائه نظریه رده‌های بالا^۳ ثابت کردند که مدیران نمی‌توانند تمام اطلاعات را در یک محیط تجاری پیچیده درک کنند، چراکه برنامه‌ریزی تجاری را بر اساس عقلانیت محدود انجام می‌دهند؛ در نتیجه ویژگی‌های ذاتی مدیران بر تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارد و بر توسعه گزارش‌های مالی شرکت تأثیر می‌گذارد (هی و همکاران، ۲۰۲۰).

یکی از ویژگی‌های مدیران تحت این تئوری، بیش اعتمادی مدیران^۴ است. اعتماد بیش‌ازحد، بر رفتار مدیران تأثیر می‌گذارد و به‌طور اجتناب‌ناپذیری بر تصمیمات تجاری شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد (کانز و سوننهولز، ۲۰۲۳). تحقیقات جدید بر پیامدهای اقتصادی اعتماد بیش‌ازحد مدیریتی متمرکز است و دیدگاه‌های مختلفی را در مورد نقش مثبت و منفی آنها ارائه می‌دهد. بااین حال، مطالعات کمی در مورد تأثیر اعتماد بیش‌ازحد مدیریتی بر ذینفعان خارجی، مانند قیمت‌گذاری حسابرسی برای شرکت‌هایی با مدیران بیش اعتماد، به‌ویژه حق‌الزحمه حسابرسی غیرعادی^۵ وجود دارد. حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسان عبارت است از تفاوت بین حق‌الزحمه واقعی حسابرسان (حق‌الزحمه پرداخت‌شده جهت حسابرسی صورت‌های مالی) و سطح عادی از حق‌الزحمه حسابرسی که انتظار پرداخت آن را دارند (ژو و همکاران، ۲۰۲۲). بر همین اساس به هرگونه انحراف حق‌الزحمه واقعی نسبت به حق‌الزحمه مورد انتظار، حق‌الزحمه غیرعادی گفته می‌شود که می‌تواند از عوامل مختلفی مانند تلاش‌های اضافی حسابرسان برای افزایش کیفیت گزارشگری مالی یا از روابط خاص برای پنهان‌کاری نشئت گیرد (فخاری و همکاران، ۱۳۹۷) رابطه میان بیش اعتمادی مدیران با حق‌الزحمه حسابرسی تحت تأثیر نقش آن در کیفیت حسابرسی و مدیریت سود قرار دارد. خلیفی و زورای^۶ (۲۰۲۱) نشان دادند که مدیران بیش اعتماد اقدام به مدیریت سود رو به بالا می‌کنند. همچنین به‌منظور افشای پیش‌بینی‌های سود باکیفیت و عملکرد مالی، مدیریت انگیزه بیشتری برای اجرای مدیریت سود دارد و تمایل بیشتری برای دست‌کاری اقلام تعهدی دارد (هیبار، ۲۰۱۵). بنابر مطالعات سویرامانیام^۷ (۲۰۰۷) نیز که هرچه درجه مدیریت سود شرکتی بالاتر باشد، خطر دعوی قضایی که حسابداران رسمی باید متحمل شوند بیشتر است، بنابراین آنها برای جبران خطرات، حق‌الزحمه حسابرسی را افزایش می‌دهند (هی و همکاران، ۲۰۲۰).

همچنین ساختار مالکیت می‌تواند بر این رابطه تأثیرگذار باشد. با ظهور تمرکز حقوق صاحبان سهام، سهامداران بزرگ اقدامات مختلفی را برای دست‌اندازی به منابع شرکت و تضییع حقوق و منافع مشروع سهامداران اقلیت انجام می‌دهند. به دلیل نقص در قوانین و حاکمیت شرکتی ضعیف، تمرکز مالکیت فرصتی را برای سهامداران بزرگ فراهم می‌کند تا به سود

¹ Burrell

² Hambrick and Mason

³ Upper Echelons Theory

⁴ He

⁵ overconfidence

⁶ Kunz & Sonnenholzner

⁷ Abnormal Audit Fees

⁸ Zhou

⁹ Khelifi and Zouari

¹ Hribar

¹ Subramanyam

بیشتری دست یابند. به خصوص می توان گفت که پدیده رفتار تونل زنی^۱ سهامداران عمده بیشتر است. در نتیجه به منظور سرکوب رفتار تونل زنی، مکانیسم تعادل سهامداران به شدت در حاکمیت شرکتی مورد بحث قرار گرفته است. مکانیسم تعادل سهامداران - مانند سهامداران نهادی - مدلی از ترتیبات حقوق صاحبان سهام است، به این معنی که چندین سهامدار عمده یکدیگر را مهار می کنند تا به هدف نظارت بر بزرگ ترین سهامدار دست یابند. در نتیجه مکانیسم تعادل سهامداران نه تنها می تواند به طور مؤثری سهامداران عمده را از تجاوز به منافع شرکت های بورسی بازدارد، بلکه بر رفتار تصمیم گیری مدیران نظارت کرده و رفتار غیرمنطقی مدیریت را کاهش می دهد که می تواند رابطه آن را با پرداخت حق الزحمه بالاتر تحت تأثیر قرار دهد (هی و همکاران، ۲۰۲۰). بر این اساس در این تحقیق به بررسی این سوال پرداخته می شود که آیا مالکیت نهادی می تواند بر تغییرات در حق الزحمه حسابرسی غیرعادی ناشی از اعتماد بیش از حد مدیران تأثیر گذار باشد یا خیر؟

۲. پیشینه پژوهش و چارچوب نظری

۲.۱. پیشینه پژوهش

کوئیب^۲ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان اعتماد بیش از حد مدیرعامل، عملکرد شرکت و دستکاری سود، با بهره گیری از تئوری رده هایی بالایی نشان داد سطح اعتماد بیش از حد مدیرعامل می تواند بر عملکرد آینده شرکت از طریق مدیریت سود واقعی و مبتنی بر اقلام تعهدی تأثیر گذار باشد.

آلوز^۳ (۲۰۲۲) در تحقیقی با عنوان تأثیر مالکیت مدیریتی بر حق الزحمه حسابرسی در بورس پرتغال و اسپانیا نشان می دهد که یک رابطه غیرخطی بین مالکیت مدیریتی و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد که با الگوی "همسویی-حرکت-همسویی" مطابقت دارد.

لی و وانگ^۴ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان تأثیر سرمایه گذاران نهادی خارجی بر حق الزحمه حسابرسی در چین نشان می دهند که مالکیت سرمایه گذاران نهادی خارجی دارای مجوز به طور مثبت با هزینه های حسابرسی مرتبط است. علاوه بر این، این تأثیر مثبت زمانی برجسته تر است که شرکت های سرمایه پذیر کیفیت درآمد پایین تر یا احساس ضعیف مسئولیت اجتماعی شرکت را نشان می دهند.

ژو و همکاران (۲۰۲۲) در تحقیقی با عنوان تأثیر پایداری سود بر حق الزحمه حسابرسی غیرعادی (غیرنرمال) نشان دادند که هراندازه پایداری سود بیشتر باشد، حق الزحمه حسابرسی غیرعادی کمتر است. علاوه بر این، مشخص شد که همبستگی منفی بین پایداری سود و حق الزحمه حسابرسی غیرعادی، متفاوت است؛ یعنی در شرکت هایی با عدم اطمینان محیطی پایین و شرکت های دولتی این تأثیر بیشتر مهم تر است به عبارتی عدم اطمینان محیطی و مالکیت دولتی بر رابطه بین پایداری سود و حق الزحمه غیرنرمال نقش تعدیلگر دارد.

هی و همکاران (۲۰۲۰) در تحقیقی با عنوان رابطه بین بیش اعتمادی مدیران، هزینه های حسابرسی غیرعادی و مکانیسم تعادل سهامداران مطالعه قرار دادند. نتایج تحقیق نشان می دهد که بین اعتماد مدیریتی و حق الزحمه حسابرسی غیرعادی همبستگی

^۱ Tunneling (تونل زنی یک عمل تجاری غیرقانونی است که در آن یک سهامدار عمده یا یک شرکت سطح بالا دارایی های شرکت یا تجارت آتی را برای منافع شخصی به سمت خود هدایت می کند. اقداماتی مانند پاداش بیش از حد مدیران اجرایی، اقدامات کاهش سهم، فروش دارایی و تضمین وام های شخصی، همگی می توانند به عنوان رفتار تونل زنی در نظر گرفته شوند.)

^۲ Kouaib

^۳ Alves

^۴ Li and Wang

مثبت و معنادار وجود دارد و مکانیسم تعادل سهامداران می‌تواند به طور معنی‌داری از همبستگی مثبت بین بیش اعتمادی مدیریتی و حق‌الزحمه حسابرسی غیرعادی جلوگیری کند.

خوشکار و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین ساختار مالکیت و خوش‌بینی مدیریتی، نشان دادند بین ساختار مالکیت (مالکیت نهادی و خانوادگی) و خوش‌بینی مدیریتی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد؛ اما ارتباطات سیاسی بر رابطه بین ساختار مالکیت (مالکیت نهادی و خانوادگی) و خوش‌بینی مدیریتی تأثیرگذار نیست. جامعی و کولیوند (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه مالکیت نهادی و حق‌الزحمه حسابرسی با تأکید بر ارتباطات سیاسی به این نتیجه رسیدند که بین مالکیت نهادی و حق‌الزحمه حسابرسی، رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد؛ اما وجود ارتباطات سیاسی در شرکت رابطه بین مالکیت نهادی و حق‌الزحمه حسابرسی را به طور معناداری تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. با توجه به یافته‌های این پژوهش، با افزایش مالکیت نهادی، نظارت بر شرکت بیشتر و حجم کار حسابرسی کمتر می‌شود و حق‌الزحمه کمتری به حساب‌رسان پرداخت می‌شود.

عمادالدینی و همکاران (۱۳۹۸) در بررسی رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی با مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی نشان دادند رابطه مثبت و معنادار بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی با مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی وجود دارد.

جبارزاده و دمیرچی (۱۳۹۶) در تحقیقی به بررسی رابطه‌ی بین مدیریت سود و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در پرتو نوع مالکیت شرکت پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که متغیر مدیریت سود (اقدام تعهدی اختیاری) بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی شرکت‌ها، تأثیر ندارد. این در حالی است که در شرکت‌های دارای مالکیت عمده‌ی خصوصی، به‌رغم بالا بودن مدیریت سود بر حسب معیارهای مختلف، میزان هزینه‌ی حسابرسی به‌شدت پایین بوده است. هم‌چنین، تأثیر نوع مالکیت شرکتی و فرصت سرمایه‌گذاری شرکت‌ها بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی، منفی و معنی‌دار و تأثیر اندازه‌ی شرکت بر حق‌الزحمه‌ی حسابرسی، مثبت و معنی‌دار بوده است.

۲. ۱. چارچوب نظری و ارائه فرضیات

بیش اعتمادی مدیران و هزینه غیرعادی حسابرسی

اعتماد به نفس بیش‌ازحد یک ویژگی شخصیتی است که می‌تواند به صورت اریب رفتاری و داشتن اعتقادات غیرواقعی (مثبت) در رابطه با هر یک از جنبه‌های یک پیشامد در شرایط عدم اطمینان تعریف شود (منیعی و همکاران، ۱۴۰۰). در ابتدایی‌ترین شکل، اعتماد بیش‌ازحد، ایمان و اعتقاد بیجا و غیرقابل توجیه به استدلال شهودی، قضاوت و توانایی‌های شناختی فرد است و می‌تواند به دو گروه بیش‌اعتمادی در پیش‌بینی و بیش‌اعتمادی به اطمینان تقسیم گردد. بیش‌اعتمادی در پیش‌بینی حالتی است که در آن افراد هنگام تخمین و ارزیابی تصمیمات، پیش‌بینی‌های با فاصله خیلی کم انجام می‌دهند. بیش‌اعتمادی به اطمینان بیانگر وضعیتی است که در آن افراد به قضاوت‌های خود بیش‌ازحد مطمئن هستند (کاشانی پور و همکاران، ۱۳۹۸). مفهوم حق‌الزحمه حسابرسی غیرعادی به مقداری اشاره دارد که در آن حق‌الزحمه حسابرسی دریافت‌شده توسط حساب‌رسان خارجی از محدوده نرمال و/یا سطح حق‌الزحمه‌های مورد انتظار قابل دریافت برای یک تکلیف کار خاص فراتر می‌رود (مونی امینا و جوره، ۲۰۲۲). بخش «غیرمنتظره» حق‌الزحمه حسابرسی یا حق‌الزحمه حسابرسی غیرعادی می‌تواند تأثیر

¹ Monye-Emina and Jeroh

² unexpected

شدیدی بر کیفیت حسابرسی نشان دهد، تعداد زیادی از مطالعات تأثیر حق الزحمه حسابرسی غیرعادی را بر کیفیت حسابرسی بررسی کرده‌اند. در این زمینه دو جریان کاملاً متمایز وجود دارد. یک جریان از ادبیات تحقیقی گزارش می‌دهد که حق الزحمه حسابرسی غیرعادی بالا با عدم واکنش حسابرس در مدیریت سود صاحب کار مرتبط است و نشان می‌دهد که حق الزحمه حسابرسی غیرعادی به منزله رانت‌های اقتصادی است که استقلال حسابرس را مختل می‌کند و منجر به کیفیت حسابرسی پایین می‌شود (چوی و همکاران؛ ۲۰۱۰؛ آستانا و بون؛ ۲۰۱۲) جریان دوم مانند مطالعات (بلانکلی و همکاران؛ ۲۰۱۲؛ اشلمن و گو؛ ۲۰۱۴) نشان می‌دهد که حق الزحمه حسابرسی غیرعادی با کیفیت بالاتر حسابرسی مرتبط است و نشان می‌دهد که حق الزحمه حسابرسی غیرعادی ممکن است نشان‌دهنده رانت اقتصادی نباشد، اما منعکس کننده هزینه‌های تولید حسابرسی غیرقابل مشاهده یا تلاش حسابرسی است. در مجموع می‌توان گفت چنانچه سرمایه‌گذاران به این موضوع پی ببرند که حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی در نتیجه وابستگی اقتصادی حسابرسان به صاحب کاران می‌باشد، استقلال حسابرس از میان می‌رود و کیفیت گزارشگری مالی شرکت کاهش می‌یابد و این باعث می‌شود که سرمایه‌گذاران به اطلاعات شرکت پایبند نباشند (بهرند و همکاران؛ ۲۰۲۰).

همان‌طور که مورد اشاره قرار گرفت در سال‌های اخیر، بر اساس نظریه رده‌های بالا، بسیاری از محققان تحقیقات زیادی در مورد نقش ویژگی‌های مدیران بر تصمیم‌گیری‌های شرکت انجام داده‌اند. این نظریه مبتنی بر عقلانیت محدود انسان‌ها است و نقش ویژگی‌های مدیران (جنس، سن، پیشینه تحصیلی و غیره) را بر مدل‌های شناختی مدیریتی و تأثیر آن بر عملکرد شرکت برجسته می‌کند. همچنین تأثیر بیش اعتمادی بر مدیریت سود و در نتیجه حق الزحمه مازاد مورد توجه قرار گرفته است. سطوح بالاتر حق الزحمه حسابرسی غیرعادی، وابستگی حسابرسان به مشتریان را افزایش می‌دهد (بلیترو؛ ۲۰۱۸)؛ و منجر به کاهش استقلال حسابرسان می‌شود. همچنین به دلیل عرضه بیش از حد و انگیزه‌های رقابتی در بازار حسابرسی، حسابرسان هیچ مزیتی در مذاکره با مدیریت ندارند. به منظور حفظ رابطه با مشتریان و ادامه کسب سودهای مازاد، حسابرسان به احتمال زیاد رفتار مدیریت سود مدیران را نادیده می‌گیرند (هوانگ؛ ۲۰۱۵)؛ بنابراین می‌توان گفت رفتار فرصت‌طلبانه مدیر منجر به دست‌کاری سود می‌شود (الرزاز و همکاران؛ ۲۰۲۱). هیربار و یانگ (۲۰۱۵) معتقدند که اعتماد بیش از حد بر انتخاب‌های مدیران عامل برای اتخاذ استراتژی‌های مدیریت سود تأثیر می‌گذارد؛ بنابر یافته‌های آنها، اگر یک مدیر اجرایی با اعتماد به نفس بیش از حد، پیش‌بینی‌های خیلی خوش‌بینانه داشته باشد، این پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه انگیزه‌هایی را برای مدیران عامل ایجاد می‌کند تا استراتژی‌های افزایش درآمد را اتخاذ کنند تا بتوانند این پیش‌بینی‌ها را برآورده کند. به عبارت دیگر، بازده آتی پروژه‌های شرکت‌ها توسط مدیران عامل بیش اعتماد، بیش از حد برآورده می‌شود؛ بنابراین، احتمال بیشتری وجود دارد که احتمال و اندازه شوک‌های مثبت را دست کم بگیرند و شوک‌های منفی به جریان‌های نقدی آتی پروژه‌های جاری را دست کم بگیرند (خلیفی و زورای، ۲۰۲۱). همچنین به منظور افشای پیش‌بینی‌های سود با کیفیت و

¹ Choi

² Asthana and Boone

³ Blankley

⁴ Eshleman and Guo

⁵ Behrend

⁶ Bleibtreu

⁷ Huang

⁸ Elrazazet al

⁹ Khlifi and Zouari

عملکرد مالی، مدیریت انگیزه بیشتری برای اجرای مدیریت سود دارد و تمایل بیشتری برای دستکاری اقلام تعهدی دارد (هیبار، ۲۰۱۵). بنابر مطالعات سویرامانیام (۲۰۰۷) نیز که هرچه درجه مدیریت سود شرکتی بالاتر باشد، خطر دعوی قضایی که حسابداران رسمی باید متحمل شوند بیشتر است، بنابراین آنها برای جبران خطرات، حق الزحمه حسابرسی را افزایش می دهند (هی و همکاران، ۲۰۲۰).

از سوی دیگر، پاداش ها و خطرات ناشی از اقدامات مدیریت سود با همدیگر سازگار نیستند. حسابداران رسمی از مزایای حق الزحمه حسابرسی غیرعادی برخوردار می شوند و آسیب ناشی از مواجهه با رویداد تبانی با همه حسابسان یک شرکت حسابداری مشترک است (بلانکلی، ۲۰۱۲) بنابراین، با افزایش غیرعادی حق الزحمه حسابرسی، رفتار مدیریت سود شرکت به احتمال زیاد بیشتر می شود. علاوه بر این، اظهارنظر حسابرس در مورد بند تداوم فعالیت شرکت به طور مثبت با اعتماد بیش از حد مدیریت مرتبط است (جی و همکاران، ۲۰۱۵) شرکت های بورسی می توانند نظرات حسابرسی را از طریق حق الزحمه حسابرسی غیرعادی خریداری کنند، اگرچه منجر به کاهش کیفیت حسابرسی می شود؛ اما استفاده از شاخص حق الزحمه حسابرسی غیرعادی برای درک خرید نظرات حسابرسی دشوار است. از منظر بهبود اظهارنظر حسابرسی، مدیران با اعتماد بیش از حد به احتمال زیاد برای کاهش سطح افشای حسابسان از مدیریت سود شرکت و بهبود عملکرد عملیاتی شرکت، حق الزحمه حسابرسی غیرعادی بالاتری را پرداخت می کنند (هی و همکاران، ۲۰۲۰)؛ در نتیجه فرضیه اول به شرح زیر ارائه می شود:

فرضیه اول: بین بیش اعتمادی مدیران و هزینه غیرعادی حسابرسی رابطه معنادار وجود دارد.

مالکیت نهادی، بیش اعتمادی مدیران و هزینه غیرعادی حسابرسی

تمرکز مالکیت یک مکانیسم مؤثر حاکمیت شرکتی است. با این حال، سیستم های نظارت بر رفتار سهامداران و حمایت از سرمایه گذاران کوچک و متوسط هنوز ناقص هستند. سهامدار کنترل کننده عمدتاً از طریق ساختار هرمی و مشارکت در مدیریت، سود ویژه ای به دست می آورد که به منافع شرکت های پذیرفته شده در بورس و سهامداران کوچک و متوسط آنها آسیب جدی وارد می کند (نگویان، ۲۰۱۵)؛ اما با ایجاد تعادل در تمرکز مالکیت به احتمال زیاد نظارت مؤثرتری بر بزرگ ترین سهامدار و مدیریت به منظور حفظ منافع خود اعمال می شود و می توان از طریق نقش نظارتی، رفتار تونلی سهامداران عمده را سرکوب کرد و از سلب منافع سهامداران اقلیت توسط این نوع سهامداران جلوگیری کرد (گائو، ۲۰۰۸). به علاوه ایجاد تعادل همچنین نقش نظارتی مهمی بر مدیران دارد. اولاً مکانیسم تعادل سهامداران تأثیر قابل توجهی بر انتصابات مدیریت و مشوق های مدیریتی می گذارد که منجر به بهبود مشوق های مدیریت و سیستم های نظارتی و کاهش رفتار نامناسب مدیریت می شود. دوم، تعادل سهامداران می توانند رفتار فردی را با بهبود حاکمیت شرکتی مهار کنند. وقتی توزیع برابرتر رأی بین سهامداران عمده وجود داشته باشد، هیچ سهامدار عمده ای نمی تواند به طور مستقل عملیات تولید و تصمیم گیری کل شرکت را کنترل کند و مدیران شرکت نیز از این قاعده مستثنی نیستند و می توانند مانع از ایجاد توطئه توسط سهامداران عمده و مدیریت برای تهاجم به منافع سهامداران خرد و متوسط شود. ثالثاً، تنوع بخشی به سهامداران عمده می تواند نظارت مؤثری بر مدیران ایجاد کند. سهامداران به منظور حفظ منافع خود انگیزه نظارت بر رفتار سهامداران عمده و مدیران را دارند و از این طریق نظارت مؤثرتری را شکل می دهند. در نهایت، کیفیت کنترل داخلی شرکت ها بهبود می یابد و انگیزه مدیریت

¹ Ji

² Nguyen

³ Gao

سود مدیران بیش اعتماد و انگیزه خرید نظر حسابرسی را کاهش می‌دهد. در نتیجه تأثیر مثبت اعتماد بیش از حد مدیریتی بر حق‌الزحمه حسابرسی غیرعادی تضعیف می‌شود (هی و همکاران، ۲۰۲۰).

از جمع مالکانی که می‌توانند این تعادل را ایجاد کنند؛ سهامداران نهادی هستند. مالکان نهادی شامل بانک‌ها، بیمه‌ها و موسسه‌های بازنشستگی و ... هستند و میزان مالکیت آنها از طریق نسبت سهام عادی در اختیار این مؤسسات و نهادها در یک شرکت به کل سهام آن محاسبه می‌شود. سرمایه‌گذاران نهادی با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از سهام شرکت‌ها را در اختیار دارند، با استفاده از نفوذ خود می‌توانند رویه‌های حسابداری و کیفیت گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار دهند (جامعی و کولیوند، ۱۴۰۰). این نوع از سهامداران نسبت به سایر سرمایه‌گذاران از توانایی و نظارت بیشتری بر شرکت برخوردارند که سبب می‌شود مشکلات نمایندگی در شرکت‌ها کاهش یابد و کیفیت گزارشگری مالی بهبود یابد؛ در نتیجه حجم عملیات حسابرسی کاهش می‌یابد که موجب کم شدن میزان حق‌الزحمه پرداختی به حساب‌رسان می‌شود (درخشی و همکاران، ۱۳۹۴) بر این اساس فرضیه دوم به شرح زیر ارائه می‌شود:

فرضیه دوم: مالکیت نهادی بر رابطه بین بیش اعتمادی مدیران و هزینه غیرعادی حسابرسی تأثیر دارد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت و محتوا از نوع توصیفی همبستگی؛ و با توجه به استفاده از اطلاعات تاریخی، پس رویدادی است. همچنین این پژوهش از نوع مطالعه‌ای کتابخانه‌ای و تحلیلی – علی بوده و مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی (پانل دیتا) نیز می‌باشد؛ و برای تجزیه و تحلیل داده‌های از نرم‌افزارهای EVIEWS استفاده شده است. داده‌های موردنیاز این پژوهش از سامانه کدال جمع‌آوری شده و برای مطالعه مبانی نظری و پیشینه پژوهش، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار سرمایه ایران در یک بازه زمانی ۸ ساله طی دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۹۹ می‌باشد که با استفاده از روش حذف سیستماتیک و بعد از مدنظر قرار دادن معیارهای زیر تعداد ۱۴۶ شرکت به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند.

۱. شرکت قبل از سال ۱۳۹۲ در بورس پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۹ در بورس فعال باشد.
۲. به دلیل ماهیت خاص فعالیت شرکت‌های هلدینگ، بیمه، لیزینگ، بانک‌ها، مؤسسات مالی و سرمایه‌گذاری و تفاوت قابل ملاحظه آنها با شرکت‌های تولیدی و بازرگانی، شرکت انتخابی جز شرکت‌های یادشده نباشد.
۳. سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفند باشد و طی بازه زمانی تحقیق تغییر سال مالی نداشته باشد.
۴. سهام شرکت‌ها در طول هر یک از سال‌های دوره تحقیق در بورس معامله‌شده باشد و قیمت پایان دوره در دسترس باشد.

۳. ۱ متغیرها و مدل پژوهش

متغیر وابسته:

هزینه غیرعادی حسابرسی (AAF)

برای سنجش آن مطابق با پژوهش‌های چوی و همکاران (۲۰۱۰)، ژی و همکاران (۲۰۱۰)، گوپتا و همکاران (۲۰۱۲) و الهادب (۲۰۱۸) عمل می‌شود:

$$\text{LnAUDITFEE} = \beta_0 + \beta_1 \text{LnTA} + \beta_2 \text{ROA} + \beta_3 \text{LEVE} + \beta_4 \text{TEN} + \beta_5 \text{AUD} + \text{SIZE} + \beta_6 \text{INVERC} + \beta_7 \text{ISSUE} + \beta_8 \text{LOSS} + \beta_9 \text{LIQUID} + \beta_{10} \text{CHG SAL} + \varepsilon$$

Ln AUDIT FEE لگاریتم طبیعی حق الزحمه پرداخت شده به حسابرس، LNTA لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها، ROA بازده دارایی‌ها، LEVE اهرم مالی، TEN تداوم انتخاب حسابرس، AUD SIZE اندازه موسسه حسابرسی یک متغیر موهومی است که اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی مورد رسیدگی قرار گرفته باشد عدد 1 و در غیر این صورت عدد صفر را می‌پذیرد، INVREC نسبت موجودی‌ها و حساب‌ها و اسناد دریافتی به مجموع دارایی‌ها، ISSUE متغیر دوگانه‌ای است که در صورت صدور سهام و اوراق قرضه در سال جاری به آن ارزش یک و در غیر این صورت به آن ارزش صفر می‌دهیم LOSS. زیان شرکت، LIQID نسبت جاری، CHG SALE تغییر در فروش سال جاری نسبت به سال قبل و ε : باقیمانده مدل رگرسیون است.

متغیر مستقل

بیش اعتمادی مدیران (OVERC)

معیار اندازه‌گیری اعتماد به نفس بیش از حد مدیران شرکت‌ها بوده و به پیروی از هوانگ (۲۰۱۱) از طریق تفاوت سود پیش‌بینی شده سالانه توسط مدیریت و سود واقعی محاسبه می‌شود. اگر در طول دوره مورد مطالعه تعداد دفعاتی که مدیران سود را بیش از واقعی پیش‌بینی می‌کند بیشتر از تعداد دوره‌هایی باشد که سود را کمتر از واقع پیش‌بینی می‌کند مدیریت دارای اعتماد بیش از اندازه بوده و متغیر مقدار یک می‌گیرد و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود.

متغیر تعدیل گر

مالکیت نهادی (INS)

برابر است با مجموع سهام در اختیار بانک‌ها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های تأمین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری تقسیم‌بر کل سهام منتشره شرکت.

متغیرهای کنترلی:

اندازه شرکت (Size): (لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت در پایان سال)؛ بازده دارایی‌ها (ROA): (سود خالص تقسیم بر کل دارایی‌ها)؛ زیان شرکت (LOSS): (در صورتی که شرکت در طی سال مالی زیان گزارش کرده باشد، یک و در غیر این صورت صفر)؛ اندازه حسابرس (SIZE Auditor): (شرکت توسط مؤسسات بزرگ (سازمان حسابرسی و موسسه مفید راهبر)، حسابرسی شده باشد یک و در غیر این صورت صفر)؛ اهرم مالی (LEV): (کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها)؛ استقلال هیئت مدیره (ID): (تعداد مدیران غیرموظف بر کل اعضا)؛ اندازه هیئت مدیره (BS): (تعداد اعضای هیئت مدیره)

در نهایت جهت برآورد فرضیه‌های پژوهش از رابطه‌های زیر استفاده می‌شود:

فرضیه اول:

$$AAF_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OVERC_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 ROA_{i,t} + \beta_4 LOSS_{i,t} + \beta_5 SIZE\ Auditor_{i,t} + \beta_6 LEV_{i,t} + \beta_7 BS_{i,t} + \beta_8 ID_{i,t} + \varepsilon_{it}$$

فرضیه دوم:

$$AAF_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 OVERC_{i,t} + \beta_2 INS_{i,t} + \beta_3 OVERC_{i,t} * INS_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 LOSS_{i,t} + \beta_7 SIZE\ Auditor_{i,t} + \beta_8 MB_{i,t} + \beta_9 ID_{i,t} + \beta_{10} BS_{i,t} + \varepsilon_{it}$$

۴. یافته‌های پژوهش

در جدول ۱ برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها، شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، حداکثر و حداقل مشاهدات و ... ارائه شده است:

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

شاخص‌های کشیدگی					شاخص‌های مرکزی		نام و تعداد متغیرها		
بیشینه	کمینه	کشیدگی	جولگی	انحراف معیار	میانه	میانگین	تعداد	علامت اختصاری	متغیرها
۴/۱۳	۱/۲۳	۲/۸۹	۰/۰۵	۰/۳۶	۲/۹۲	۲/۹۷	۱۱۶۸	AAF	هزینه غیرعادی حسابرسی
۱	۰	۱/۸۲	۰/۹۲	۰/۵۲	۰	۰/۴۴	۱۱۶۸	OVERC	بیش اعتمادی مدیران
۰/۹۸	۰	۲/۰۸	-۰/۷۴	۰/۳۱	۰/۶۶	۰/۵۸	۱۱۶۸	INS	مالکیت نهادی
۲۰/۷۶	۱۱/۳۰	۴/۰۴	۰/۹۲	۱/۵۹	۱۴/۴۳	۱۴/۷۱	۱۱۶۸	Size	اندازه شرکت
۰/۷۱	-۰/۵۴	۳/۵۴	۰/۳۲	۰/۱۴	۰/۱۶	۰/۱۸	۱۱۶۸	ROA	بازده دارایی‌ها
۱	۰	۶/۴۲	۲/۳۲	۰/۳۲	۰	۰/۱۲	۱۱۶۸	LOSS	زیان شرکت
۱	۰	۲/۷۹	۱/۳۳	۰/۴۱	۰	۰/۲۲	۱۱۶۸	SIZE Auditor	اندازه حسابرسان
۰/۹۸	۰/۰۴	۳/۲۱	-۰/۳۳	۰/۵۵	۰/۶۶	۰/۶۴	۱۱۶۸	LEV	اهرم مالی
۱	۰/۲	۲/۷۴	۰/۲۸	۰/۱۸	۰/۶۰	۰/۶۶	۱۱۶۸	ID	استقلال هیئت‌مدیره
۷	۵	۵/۶۳	۵/۳۲	۰/۲۷	۵	۵/۰۳	۱۱۶۸	BS	اندازه هیئت‌مدیره

برآورد فرضیه اول پژوهش:

در برآورد مدل اول برای این که بتوان مشخص نمود که آیا استفاده از روش داده‌های پانل در برآورد مدل کارآمد خواهد بود یا نه از آزمون F لیمر و به‌منظور این که مشخص گردد کدام روش (اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی) جهت برآورد مناسب‌تر است از آزمون هاسمن استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون‌ها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. نتایج انتخاب الگو برای برآورد مدل (۱) تحقیق

P-Value	مقدار آماره آزمون	آماره آزمون	نوع آزمون
۰/۰۰۰	۶/۳۲	F	آزمون F لیمر
۰/۰۰۰	۱۸۷/۵۶	χ^2	آزمون هاسمن

با توجه به نتایج حاصل از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن (سطح احتمال‌های کمتر از ۰/۰۵) در این مدل از روش داده‌های پانل با روش اثرات ثابت استفاده می‌شود. در جدول ۳ نتایج حاصل از برآورد مدل (۱) تحقیق ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج برآورد مدل (۱) تحقیق

متغیر	مقدار ضرایب	مقدار t	مقدار احتمال	VIF
OVERC	۰/۰۳۱	۲/۸۹	۰/۰۰۲	۱/۱۴
Size	۰/۷۱	۱۱/۳۲	۰/۰۰۰	۱/۱۳
ROA	-۰/۴۳	-۷/۳۲	۰/۰۰۰	۱/۴۷
LOSS	-۰/۱۱	-۱/۶۳	۰/۰۷۱	۱/۲۷
SIZE Auditor	۰/۱۷	۳/۴۷	۰/۰۰۰	۱/۴۴
LEV	۰/۲۱	۷/۱۸	۰/۰۰۰	۱/۳۱
ID	۰/۰۰۸	۰/۷۴۳	۰/۳۱۷	۱/۵۲
BS	-۰/۰۹	-۲/۴۲	۰/۰۲۱	۱/۳۹
C (مقدار ثابت)	۰/۱۷	۲/۱۹	۰/۰۳۱	-
مقدار F		۴۷/۳۲	مقدار احتمال F	
ضریب تعیین (R^2)		۰/۲۴۳۱	دوربین واتسون	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۲۲۳۸	۱/۹۳	

در بررسی معنی دار بودن کلی مدل، با توجه به این که مقدار احتمال (P-VALUE) آماره F از ۰/۰۵ کوچک تر می باشد (۰/۰۰۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی دار بودن کلی مدل تأیید می شود همچنین ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز نشان می دهد که ۲۲/۳۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته پژوهش توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تحقیق تبیین می شود؛ بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۳، سطح معنی داری آماره t مربوط به اعتماد بیش از حد مدیران کوچک تر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۰۲) یعنی معنی دار است، ضریب آن (۰/۰۳۱) مثبت می باشد و مقدار آماره t برای آن برابر با ۲/۸۹ می باشد این مقدار آماره t در ناحیه رد فرض صفر قرار می گیرد؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت بین بیش اعتمادی مدیران و هزینه غیرعادی حسابرسی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد.

برآورد فرضیه دوم پژوهش:

جدول ۴. نتایج انتخاب الگو برای برآورد مدل (۲) تحقیق

نوع آزمون	آماره آزمون	مقدار آماره آزمون	P-Value
آزمون F لیمر	F	۱۱/۴۵	۰/۰۰۰
آزمون هاسمن	χ^2	۹۳/۴۳	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج حاصل از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن (سطح احتمال های کمتر از ۰/۰۵) در این مدل از روش داده های پانل با روش اثرات ثابت استفاده می شود. در جدول ۵ نتایج حاصل از برآورد مدل (۲) تحقیق ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج برآورد مدل (۲) تحقیق

متغیر	مقدار ضرایب	مقدار t	مقدار احتمال	نتیجه
OVERC	۰/۰۱۷	۲/۱۷	۰/۰۳۷	۱/۲۱
INS	-۰/۴۲	-۲/۶۳	۰/۰۰۹	۱/۸۲
OVERC* INS	-۰/۰۶	-۲/۰۹	۰/۰۴۱	۱/۶۲
Size	۰/۶۳	۸/۴۳	۰/۰۰۰	۱/۰۹
ROA	-۰/۲۱	-۲/۸۷	۰/۰۰۷	۱/۳۳
LOSS	-۰/۰۹	-۲/۲۱	۰/۰۲۴	۱/۳۷
SIZE Auditor	۰/۲۷	۶/۴۳	۰/۰۰۰	۱/۲۶
LEV	۰/۰۹	۳/۵۸	۰/۰۰۰	۱/۲۹
ID	۰/۰۱۷	۰/۵۸۷	۰/۳۱۶	۱/۴۲
BS	-۰/۱۶	-۱/۴۳	۰/۰۹۸	۱/۴۷
C (مقدار ثابت)	۰/۲۳	۸/۹۸	۰/۰۰۰	-
مقدار F		۲۱/۳۲	مقدار احتمال F	۰/۰۰۰
ضریب تعیین (R^2)		۰/۳۹۸۳	دوربین واتسون	۲/۰۴
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۳۶۷۲		

در بررسی معنی‌دار بودن کلی مدل، با توجه به این که مقدار احتمال (P -VALUE) آماره F از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد (۰/۰۰۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار بودن کلی مدل تأیید می‌شود همچنین ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز نشان می‌دهد که ۳۶/۷۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته پژوهش توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تحقیق تبیین می‌شود؛ بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۵، سطح معنی‌داری آماره t مربوط به مالکیت نهادی کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۰۹) یعنی بی‌معنی است، ضریب آن (-۰/۴۲) منفی می‌باشد و مقدار آماره t برای آن برابر با -۲/۶۳ می‌باشد این مقدار آماره t در ناحیه رد فرض صفر قرار می‌گیرد؛ بنابراین می‌توان گفت رابطه مالکیت نهادی با هزینه غیرعادی حسابرسی منفی و معنی‌دار است. همچنین سطح معنی‌داری آماره t مربوط به OVERC* INS کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۴۱) یعنی معنی‌دار است، ضریب آن (-۰/۰۶) منفی می‌باشد و مقدار آماره t برای آن برابر با -۲/۰۹ می‌باشد این مقدار آماره t در ناحیه رد فرض صفر قرار می‌گیرد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت مالکیت نهادی بر رابطه بین بیش اعتمادی مدیران و هزینه غیرعادی حسابرسی تأثیرگذار است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

مطالعات کمی در مورد تأثیر اعتماد بیش از حد مدیریتی بر ذینفعان خارجی، مانند قیمت‌گذاری حسابرسان برای شرکت‌هایی با مدیران بیش اعتماد، به‌ویژه حق‌الزحمه حسابرسی غیرعادی، وجود دارد. نتیجه فرضیه اول نشان داد بین بیش اعتمادی مدیران و هزینه غیرعادی حسابرسی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این نتیجه را می‌توان تحت تأثیر تئوری رده‌های بالایی و توهم کنترل مدیران و همچنین تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری مدیران بیش اعتماد و اقدام آنها به مدیریت سود و در نتیجه تأثیر تمامی این موارد بر پرداخت حق‌الزحمه بیشتر تفسیر کرد. از یک منظر می‌توان گفت، اعتماد بیش از حد، به‌عنوان یک ویژگی روانی، بر عملیات تجاری نیز تأثیر می‌گذارد؛ که در آن مدیران، احتمال شکست را دست کم می‌گیرند و به‌احتمال زیاد به

دنبال نوآوری هستند. در نتیجه مدیران بیش اعتماد، بیشتر احتمال دارد تقاضای آینده را بیش از حد برآورد کنند، بنابراین زمانی که فروش کاهش می‌یابد، امکان کاهش هزینه‌های (فروش، هزینه‌های عمومی و اداری) کمتر است. از طرفی دیگر افراد دارای اعتماد به نفس بیش از حد، انتظار غیرمنطقی از احتمال انجام موفقیت آمیز کاری، بالاتر از احتمال عینی موفقیت آن موضوع دارند. در این حالت، افراد معتقدند که میزان موفقیت آنها بالا است و تمایل بیشتری به ریسک کردن دارند؛ بنابراین، اعتماد بیش از حد باعث می‌شود که مدیریت بیش از حد به توانایی‌های مدیریتی خود باور داشته باشد، در نتیجه تصمیمات غیرمنطقی اتخاذ می‌کند، مزایای پروژه‌های سرمایه‌گذاری خود را بیش از حد برآورد می‌کند و خطرات پروژه را دست کم می‌گیرد. در نتیجه، پروژه‌های باارزش افزوده خالص منفی برای مدت طولانی حفظ می‌شوند و عملکرد ضعیف انباشته می‌شود که در نهایت منجر به پرداخت اضافی توسط شرکت شود.

نکته مهم دیگر اینکه به منظور افشای پیش‌بینی‌های سود مناسب و عملکرد مالی، مدیریت انگیزه بیشتری برای اجرای مدیریت سود دارد و تمایل بیشتری برای دستکاری اقلام تعهدی دارد. به عنوان مثال سوبرامانیام (۲۰۰۹) معتقد است که هر چه درجه مدیریت سود شرکتی بالاتر باشد، خطر دعوی قضایی که حسابداران رسمی باید متحمل شوند بیشتر است، بنابراین آنها برای جبران خطرات، هزینه‌های حسابرسی را افزایش می‌دهند. از سوی دیگر، پاداش‌ها و خطرات ناشی از افراط در اقدامات مدیریت سود سازگار نیستند. در نتیجه حسابداران رسمی از مزایای اضافی حق الزحمه حسابرسی غیرعادی برخوردار می‌شوند و آسیب ناشی از مواجهه با رویداد تبانی، منجر به تقبل هزینه حسابرسی بالاتر برای شرکت می‌شود در نتیجه می‌توان گفت برای بهبود نظر حسابرسی، مدیران با اعتماد بیش از حد، به احتمال زیاد برای کاهش سطح افشای حسابرسان از مدیریت سود شرکت و بهبود عملکرد عملیاتی شرکت، هزینه‌های حسابرسی غیرعادی بیشتری را پرداخت می‌کنند. این نتیجه مطابق با یافته‌های هی و همکاران (۲۰۲۰) می‌باشد.

نتیجه فرضیه دوم نشان داد که مالکیت نهادی بر رابطه بین بیش اعتمادی مدیران و هزینه غیرعادی حسابرسی نقش تعدیلگر منفی دارد؛ و همچنین در این فرضیه مشخص شد که مالکیت نهادی خود منجر به کاهش حق الزحمه غیرعادی می‌شود و همچنین منجر به کاهش اقدامات مدیران بیش اعتماد می‌شود.

وجود سهامداران عمده در شرکت موجب می‌شود زمینه‌های نظارت بر عملکرد مدیران فراهم شود. مکانیسم‌های نظارت نهادی، سرمایه‌گذاری بیش از حد مدیران عامل بیش اعتماد را کاهش می‌دهد این نوع سرمایه‌گذاران به خاطر اینکه حجم قابل توجهی از ثروت خود را در شرکت سرمایه‌گذاری می‌کنند، سرمایه‌گذاری خود را به شیوه‌ای فعال مدیریت می‌کنند و علاقه زیادی بر نظارت بر فعالیت مدیریت دارند و موجب دوری آنها از رفتارهای فرصت طلبانه می‌شوند. از طرفی دیگر وجود مالکان نهادی موجب می‌شود، کیفیت گزارشگری مالی ارتقا یابد و از جمله نتایج حضور آنها ارائه گزارش‌های با کیفیت بالاتر است. در نتیجه به همین خاطر ریسک حسابرسی پایین‌تر و در نتیجه حق الزحمه کمتری درخواست می‌کنند. از طرفی دیگر سرمایه‌گذاران نهادی موجب می‌شوند، مشکلات نهادی در شرکت کاهش یابد و در نتیجه حجم عملیات حسابرسی کاهش یافته و میزان حق الزحمه پرداختی کاهش می‌یابد. این نتیجه مطابق با یافته‌های هی و همکاران (۲۰۲۰) و جامعی و کولیوند (۱۴۰۰) می‌باشد و خوشکار و همکاران (۱۴۰۰) می‌باشد.

با توجه به نتایج پیشنهاد می‌شود که سهامداران، صاحبان شرکت‌ها و استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی شرکت، شاخص‌های مربوط به بیش اعتمادی و خوش‌بینی مدیران مانند تفاوت سود پیش‌بینی شده سالانه توسط مدیریت و یا دیگر شاخص‌های مرتبط را مورد توجه قرار دهند؛ چرا که می‌تواند نشانگر اشتباه مدیران در برآورد ریسک سرمایه‌گذاری و یا

مدیریت سود شرکت باشد؛ که منجر به تحمیل هزینه‌های بالای حسابرسی برای شرکت می‌شود. همچنین سهامداران میزان مالکیت این نوع سرمایه‌گذاران و حضور آنها را در شرکت مورد توجه قرار دهند؛ چراکه می‌تواند بیانگر افزایش جنبه نظارتی شرکت، کنترل اقدامات فرصت طلبانه مدیران، کاهش حجم کاری و در نتیجه انجام به موقع گزارشگری مالی با کیفیت بالاتر و با هزینه پایین‌تر شود.

در نهایت به محققان آتی پیشنهاد می‌شود که تأثیر دیگر انواع مالکیت مانند مالکیت خانوادگی، دولتی و سهامداران عمده بر رابطه میان بیش اعتمادی مدیریت و حق‌الزحمه غیرعادی موردبررسی قرار دهند و نقش دیگر معیارهای مربوط به ویژگی‌های مدیران مانند کوتاه‌بینی، خودشیفتگی و توانایی مدیران بر حق‌الزحمه غیرعادی موردبررسی قرار گیرد.

۶. منابع و مآخذ

- جامعی، رضا؛ کولیوند، زهره. (۱۴۰۰). بررسی رابطه مالکیت نهادی و حق‌الزحمه حسابرسی با تأکید بر ارتباطات سیاسی. *مجله دانش حسابداری*، ۱۲ (۱)، ۱۵۹-۱۷۲
- جبارزاده، سعید و دمیرچی، اصغر. (۱۳۹۶). رابطه‌ی بین مدیریت سود و حق‌الزحمه‌ی حسابرسی در پرتو نوع مالکیت شرکت. *نشریه حسابداری*، شماره ۳۰۵
- خوشکار، فرزین خوانساری، مجید و عبادی، امیر. (۱۴۰۰). تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین ساختار مالکیت و خوش‌بینی مدیریتی، *فصلنامه مطالعات نوین کاربردی در مدیریت، اقتصاد و حسابداری*، سال ۴، ش ۴، ۸۴-۹۶
- درخشی، رضا؛ بادآور نهندي، یونس و برادران حسن‌زاده، رسول. (۱۳۹۴). تأثیر ساختار مالکیت و ساختار مالی بر حق‌الزحمه حسابرسی، *دانش حسابرسی*، ۱۵ (۶۰)، ۹۳-۱۱۴
- عمادالدینی، امیر، سعیدی، پرویز. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی با مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی، *چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، دوره دوم تابستان ۱۳۹۸ شماره ۹ (جلد ۲).
- فخاری، حسین؛ قربانی، هادی و رجب بیکی، محمدعلی. (۱۳۹۷). پایداری و جهش در حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی، *پیشرفت‌های حسابداری*، دوره ۱۰، ش ۲، ۲۲۱-۲۵۰
- کاشانی پور، محمد؛ قنبری، محمدعلی و بایزیدی، انور. (۱۳۹۸). بررسی پیامدهای اقتصادی بیش اعتمادی مدیران در شرکت‌های بورسی، *پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز*، دوره ۱۱، ش ۱، ۲۶۱-۲۹۰
- منیعی، زهرا؛ خوشکار، فرزین و گرجی زاده، داود. (۱۴۰۰). رابطه بین بیش اعتمادی مدیران و بازده سرمایه‌گذاری، *چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، دوره ۴، ش ۴۶، ۲۹-۴۰
- Alves, Sandra. (2022). The impact of managerial ownership on audit fees: Evidence from Portugal and Spain, *Cogent Economics & Finance* (2023), 11: 2163078 <https://doi.org/10.1080/23322039.2022.2163078>
- Asthana, S.C. and J.P. Boone. (2012). Abnormal Audit Fee and Audit Quality. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 31(3): 1-22.
- Behrend, Matt, Khan, Sarfraz, Ko, Youngwoo, and Park, Sung-Jin. (2020). "Abnormal Audit Fees and Audit Quality: Evidence from the Korean Audit Market." *Journal of International Accounting Research* 19:3 October (4th Quarter/Autumn)
- Blankley, A.I, D.N. Hurtt, and J.E. MacGregor. (2012). Abnormal Audit Fees and Restatement. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 31(1): 79-96

- Bleibtreu C, Stefani U. (2018). The Effects of Mandatory Audit Firm Rotation on Client Importance and Audit Industry Concentration. *The Accounting Review*. 2018; 93(1):1–27
- Choi, J.H., Kim, J.B. and Zang, Y. (2010). “Do Abnormally High Audit Fees Impair Audit Quality?”. *Auditing A Journal of Practice & Theory*, 29 (2):73- 97.
- Elrazaz, T. Z., Elmassri, M., & Ahmed, Y. (2021) “Real earnings manipulation surrounding mergers and acquisitions: the targets’ perspective”, *International Journal of Accounting and Information Management*, Vol. 29 (3): 429-451.
- Eshleman, J.D. and P. Guo. (2014). Abnormal Audit Fees and Audit Quality: The Importance of Considering Managerial Incentives in Tests of Earnings Management. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 33(1): 117-138.
- Gao L, Kling G. Corporate governance and tunneling: empirical evidence from China. *Pacific-basin Finance Journal*. 2008; 16(5):591–605.
- Hambrick DC, Mason PA. (1984). Upper Echelons: The Organization as a Reflection of Its Top Managers. *Academy of Management Review*. 1984; 9(2):193–206
- He X-X, Xie D-C, Hu Z-M, Bao X-L, Li L. (2020). Impact of managerial overconfidence on abnormal audit fee: From the perspective of balance mechanism of shareholders. *PLoS ONE* 15
- Hribar P, Yang H. (2015). Does CEO Overconfidence Affect Management Forecasting and Subsequent Earnings Management?. *Contemporary Accounting Research*. 2015; 33(1):204–227
- Huang H, Raghunandan K, Huang T, Chiou J. Fee .(2015). Discounting and Audit Quality Following Audit Firm and Audit Partner Changes: Chinese Evidence. *The Accounting Review*. 2015; 90(4):1517–1546
- Ji G, Lee JE. (2015). Managerial Overconfidence And Going—Concern Modified Audit Opinion Decisions. *Journal of Applied Business Research*. 2015; 31(6):2123–2138.
- Khelifi, and Ghazi Zouari .(2021). The impact of CEO overconfidence on real earnings management: Evidence from M&A transactions, *Journal of Accounting and Management Information Systems* 20(3) DOI:[10.24818/jamis.2021.03002](https://doi.org/10.24818/jamis.2021.03002)
- Kouaib , Amel .(2023). CEO overconfidence and subsequent firm performance an indirect effect via earnings manipulations, *The Journal of High Technology Management Research*, Volume 34, Issue 1, May 2023, 100452 ,<https://doi.org/10.1016/j.hitech.2023.100452>
- Kunz , Jennifer Lara Sonnenholzner .(2023). Managerial overconfidence: promoter of or obstacle to organizational resilience?, *Review of Managerial Science* (2023) 17:67–128 <https://doi.org/10.1007/s11846-022-00530-y>
- Li Zhe and Bo Wang .(2022). The influence of foreign institutional investors on audit fees: evidence from Chinese listed firms, *ACCOUNTING FORUM*, <https://doi.org/10.1080/01559982.2022.2071183>
- Monye-Emina, Henry Emife., Edirin Jeroh .(2022). DETERMINANTS OF ABNORMAL AUDIT FEES IN INTERNATIONAL FINANCIAL REPORTING STANDARDS-BASED FINANCIAL STATEMENTS, *Economic Horizons*, January - April 2022, Volume 24, Number 1, 69 – 86
- Nguyen T, Locke S, Reddy K. (2015) Ownership concentration and corporate performance from a dynamic perspective: Does national governance quality matter?. *International Review of Financial Analysis*. 2015; 41:148–161.

- Subramanyam , Ogneva M, KR, Raghunandan K. (2009) Internal Control Weakness and Cost of Equity: Evidence from SOX Section 404 Disclosures. *The Accounting Review*. 2007; 82(5):1255–1297.
- Zhou, Xiaohui, Pengzheng Lou , Yongmin Wu , and Lijuan Zhang .(2022). Earnings Persistence and Abnormal Audit Fees, *Discrete Dynamics in Nature and Society* Volume 2022, Article ID 2659939, 12 pages <https://doi.org/10.1155/2022/2659939>

Investigating the Relationship Between Managers' overconfidence and Abnormal Audit fees, Considering the Moderating Role of Institutional Ownership

Banafsheh Movaghar ^{*1}

Davood Gorgizadeh ²

Mohammad.Hamed.Khanmohammadi ³

Abstract

New research focuses on the economic consequences of managerial overconfidence, and there are different views on their positive and negative role. However, there are few studies on the effect of management overconfidence on audit pricing, especially abnormal audit fees. The purpose of this study is to Investigating the relationship between managers' overconfidence and abnormal audit fees, considering the moderating role of institutional ownership. The information from this study is taken from the financial statements of 146 companies during the period 2013-2021. The research is applied in terms of purpose; in terms of nature and content it is a correlation type. Multiple regression based on panel data analysis (panel data) was used to test the relationship between variables and the significance of the model. The results of the hypothesis test showed that there is a significant and positive relationship between managers' overconfidence and abnormal audit fees; The relationship between institutional ownership and abnormal audit fees is negative and significant; And institutional ownership has a negative and significant effect on the relationship between managers' overconfidence and abnormal audit fees.

Keywords

Managers' overconfidence, Abnormal Audit fees, Institutional Ownership

1. Master of Accounting, Naser Khosro Institute of Higher Education, Saveh, Iran (*Corresponding Author: mail.office2011@googlemail.com).

2 Lecturer of Accounting Department, Nasser Khosro Institute of Higher Education, Saveh, Iran (d.gorgizadeh@hnhk.ac.ir).

3 2 Lecturer of Accounting Department, Nasser Khosro Institute of Higher Education, Saveh, Iran (m.khanmohammadi@hnhk.ac.ir).